

و از نوب و سخن آن و لغت آن در زمان و صاحب آن باران عاقبتی است  
 و کلش حسن و جمالک بیل ناز دستانی و کشیدی صاحب آن افان  
 خدمتده صولاق اولان بر شمشک مریاسی و لغت نولاق حسن و یکله شهرت  
 بولمشدی بعده سالک معروفنا اولوب در وقتک دلریشانی سخنند  
 فوق و صفای الوب خدمت اصحاب و جید و سماح غایتیه التیاسی و لغتده  
 خلاف قیاس خلص سماحی لیله محصل خراسی اولمشدر لویا باده مصبول طبع  
 خوب سبابت و در عیب مطالعی شایع اولوب اول قنای اعتبار و در شفا  
 شارق و لامع اولمشدی لکن بونگنه جمانده لست کما قایت صالیو سماح  
 ارحمی کوشن بونگنه سماحی اولدقده ارواح کزده علوی به بیسته او چون  
 کوشن بقایه رحلت ایلی لویا شفا بیاخت شفا رنگ کفرا بندد

ای بیگانه که ملا صدقان بیدر عایدی	بیم و ناسی و زتابه قویو بیادین
بهری و لای جان و دل لکن تو به دانگ	ای سنی قامت بوی کوی مشهور حسانی
کوزلفک صفا عارض کنین اوزره	والدور اول هنسن مایلدر دین اوزره
شوق ایبه زلی مهر منور صندم	تایش در حرکت باش ز زین اوزره
وار ما خست کویا ستم اولدقده	وار دقچه در خنده ز یاد اولدی تحت
طبع جراحی فاسم انوار بقار	بوی فست و دماغه عطاردن کلار

زرگ نام بر جوان سمر اندام کلاه مام جوانه عاشق اولدقده و پیشدر  
 باغش شترتی درج کلای خورشاک کیمیا در نظری زرگ کیم سمر اندامک  
 سخی اگر چه بندره لودر لکن اکثر انام بلکه عالمه انام اعماره اولدوه مقر  
 و مقام تکمل اول و بار بار شسته بار بولمشدر تحصیل معارف طالب و تحصیل مایه  
 و مصاحب ایلی حقا که کلماتی به و اشعاری لایق انکار و در کلام در اکثر سبکی با عجا  
 زلم او و نیز اکصدف با اولد  
 انجمن بوقت در کلیمو بلیدر کچوک  
 سن جگر سن شکاره تیر و لکان  
 سن بیم چکده و کم نه بیلور سن

اسلام و جودی بلیدر کچوک	اسلام و جودی بلیدر کچوک
جوکان قضا السند سکر اولد	جوکان قضا السند سکر اولد
چکر بن حمیده قد اسم	چکر بن حمیده قد اسم
هرگشی چکده و کن بلور شاکم	هرگشی چکده و کن بلور شاکم

**سنان پاشا** دبار و مرده بیت علم و کمال و خاندان معارف افضا لیدن  
 نمایان و آفتاب وجود مسووی مشرق انصافان بعد و درین طالع و در شین  
 اولان عمده همجاسا لطیف قد و ارباب لایق الامکار طلقا لایق تحصیل  
 علوم و کمال استهلال و هر کجی صبا حدک چراغ و کجی حاشیه روشن سنی و جریه  
 اشتغال و بیچاره اصل او نظیره علم مجرد و غایب است اولان حضرت کبیر علیک  
 فرزند بوشمندی و بیرو سادگی نام اولدقده شیره امام اولان معنی  
 پاشا که برادریدر بین الناس خواجه پاشا دیکلم معروف و زار و وسن ظهور  
 سستور لیه شهور در دکان کاسی حدیده و قهر و قسری نماینده ایلی  
 حکایت اولدور که جنوز با لبح اولدقده منزه چقوب خلیفه ام معروف ولی  
 مکار ایدر دی سلطان محمده در زلی اولدقده ضحکه ریاسی سبک لوب و اعراض  
 و نیایدن اعراض لغت ایدر و شیخ و قاضی تکریمه اروت کور شیدی لغت  
 نامه نای لکان و زور و میان شیخ نوشا بده مشهور در فی الواقع کتاب فرور  
 تمسوح و مقبول خلافتی مر و جمله مدح اولمنه لایق در صاحبی انصاف لوتخنده  
 مالک مر و اگاه و سالک و لغت نالیه مسفور طر زنده و حسود و بیدار اولد  
 قابل تعلیم و کلام بعضی شیوه از زمان چوقوت طبع اولدقده بوی خیر و فای  
 نظیره دیو سلوک لکن جانی شکو طامالی بعضی کلمات بلکه اکثر صحیح مشتمل بر اسباب  
 ددی لکن فایق الثیامین بیالمستول سیف و صبا لیه حق لاجب برابر  
 اولمق لرحال دیوی جای عشا و حیدال و کلدر و تذکره الا اولدی دی و اوزره  
 بوی قاج اسباب تقریر نامه سندن در **نقش** مسکت که بولمنه اول  
 سندن اولمقبول بیج عمل هر که خلق اندک اولمیه خوشنود در که خسته  
 اولدور مر و ده قلب مومن که خوش جاندر فی لایق زیاده طعنا بندر  
**سنان افندی** خردا لشکران علماء و رم مقدر ای صحاب شکر و سر سیم غر  
 مصرفه و عرفان مهر سه راه ایمان خورشید ساد فایق و حقایق کسلی  
 و جیشد جهان تدقیق محسن کتب سماوی محقق تقی قاضی مضایق و صبا لیل  
 طوطی مشر خندی العالم لرای حضرت سنان افندی در بوالدی خلص

سنان پاشا

سنان افندی

سنان افندی

سنان پاشا